# تروریسم ابزاری برای اشغال افغانستان

 **دکتر علی واحدی[[1]](#footnote-1)\***

**دنياي اسلام از جنايات آمريكا در افغانستان داغدار است**

حضرت آيت‌الله خامنه‌اي رهبر معظم انقلاب اسلامي و ولي امر مسلمين جهان

بعد از وقوع حادثه يازدهم سپتامبر، آمريكا، با دستاويز قرار دادن شعار مقابله با تروريسم و تحت پوشش دموكراسي، سناريوي اسلام‌ستيزي، كشورگشايي و جنگ‌افروزي را براي اجراي طرح خاورميانه بزرگ و، در نهايت، تك‌قطبي كردن جهان به مرحله اجرا گذاشت.

در حقيقت، آمريكا طرح عملي ساختن خاورميانه بزرگ را به بهانه مقابله با القاعده و طالبان با اشغال نظامي افغانستان و عراق آغاز نمود و نخست كشور اسلامي و بيدفاع افغانستان را مدت 35 روز مورد حملات گسترده هوايي و موشكي قرار داد كه خسارات جبران‌ناپذيري بر زيرساختها و مراكز حياتي آن ــ مانند بيمارستانها، كارخانجات، نيروگاهها، فرودگاهها، مراكز آموزشي و مناطق مسكوني ــ وارد آمد و متأسفانه منجر به كشتار عده زيادي از غيرنظاميان همراه با افزايش قحطي، فقر و بيماري در بين مردم محروم و بيدفاع افغانستان و منطقه شد. ادعاي آمريكا در مورد مقابله با تروريسم طالباني دور از واقعيت بود؛ زيرا اظهارات صريح نخست‌وزير سابق پاكستان خانم بوتو اعترافات مسئولين سابق سازمان اطلاعات پاكستان (ISI) و آقاي بابر وزير كشور دولت بوتو ــ در مورد اينكه آمريكا مسبب اصلي تشكيل طالبان جهت جايگزين ساختن دولت اسلامي مجاهدين بوده است ــ مي‌طلبد به اين معما پاسخ داده شود كه چرا آمريكا 180 درجه تغيير سياست داده و اقدام به ساقط كردن طالبان از اريكه قدرت افغانستان مي‌كند. در جواب بايد گفت:

نخست اينكه تاريخ مصرف طالبان از نظر آمريكا به پايان رسيده بود.

ثانياًَ، آمريكا براي اجراي طرح خاورميانه بزرگ نياز به حضور مستقيم نظامي در سرزمين افغانستان داشت.

ثالثاً، ايجاد پايگاههاي نظامي دائمي در نقاط سوق‌الجيشي و استراتژيك افغانستان لازم بود.

اما عمده اهداف آمريكا از اشغال افغانستان:

1. ایجاد تقویت پایگاههای نظامی در منطقه آسیای میانه؛

2. مقابله جدی و مستقیم با اهداف انقلاب اسلامی ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام؛

3. به خطر انداختن امنیت جهان اسلام؛

4. خارج کردن اسرائیل از کانون توجهات و محافل خبری؛

5. شعله‌ور کردن بحران در خاورمیانه؛

6. نمایش قدرت و وانمود کردن اینکه کسی توان مقابله و ستیز با آمريكا را ندارد؛

7. تسلط بیشتر بر خلیج‌فارس و کشورهای اين حوزه؛

8 . دسترسی به منابع نفتی و استراتژیک دریای خزر و کشورهای آسیای میانه؛

9. تثبیت وضعیت متزلزل اسرائیل و بایکوت کردن ملت مسلمان و مبارز فلسطین؛

10. آزمایش ادوات و فن‌آوریهای جدید نظامی (بمبهای هوشمند و تسلیحات بسیار پیشرفته)؛

11. تغییر ژئوپليتیک وسیعی از آسیا و خاورمیانه در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگي؛

12. غارت نمودن منابع غني، طبيعي و دست‌نخورده افغانستان؛

پس با مشخص شدن اهداف آمريكا از حمله نظامي به افغانستان، ساقط كردن طالبان براي آمريكا امتياز خاص به حساب نمي‌آيد؛ بلكه يك ترفند گمراه‌كننده براي مردم افغانستان و جهان است. بنابراين، منطق آمريكا براي حمله به افغانستان هيچ كس را در دنيا قانع نكرد و حتي سياستمداران آمريكا تصريح كردند كه قانع نشدند.

پس اصرار آمريكا در تداوم حضور نظامي‌اش پس از چندين انتخابات آزاد و مردمي و تدوين قانون اساسي، شكل‌گيري دولت قانون افغانستان و تشكيل پارلمان و مجلس سنا مطابق موافقتنامه بن و منشور جهاني و بين‌المللي خودبه‌خود به منزله اشغال افغانستان محسوب مي‌شود.

آيا اين درست است كه با بودن ارتش ملي افغانستان، پايگاههاي هوايي و نقاط استراتژيك نظامي آن در كنترل افسران نظامي آمريكا و همپيمان غربي‌اش ناتو باشد تا جايي كه افسران ارشد افغانستان به عنوان ابزار و نيروي بدون اراده در خدمت مستشاران نظامي بيگانه مثل آمريكا، انگليس و ساير كشورهاي غربي و اروپايي باشند؟

از اين جهت، مردم دين‌مدار و استقلال‌طلب افغانستان اكنون احساس مي‌كنند كه حقوق‌ آنها حتي در كشور خودشان، تضييع مي‌شود و به نحوي گرفتار كاپيتولاسيون آمريكا و ناتو شده‌اند.

اكنون بزرگ‌ترين چالش در راه توفيق دولت اسلامي افغانستان حضور اجباري اشغالگران آمريكا و ناتو و دخالتهاي آنان در امور داخلي افغانستان است كه امكان فعاليت و كارايي را در قسمت توسعه، بازسازي، ايجاد امنيت و رسيدگي به مشكلات مردم از مسئولان و كارمندان دولت سلب كرده است.

به‌‌رغم تبعات منفي حضور اشغالگران بر روند بهبود بحران افغانستان، خانم رايس وزير خارجه آمريكا با نهايت احساس پيروزي اعلام مي‌دارد كه افغانستان طي چهار سال گذشته به پيشرفتهاي چشمگيري در عرصه‌هاي مختلف دست‌يافته است؛ حال آنكه اظهارات ناراحت‌كننده اخير آقاي كرزاي رئيس جمهوري افغانستان از عمليات نظامي اشغالگران، كه منجر به كشتار زنان و اطفال بيگناه افغاني گرديد، و همچنين اعترافات مسئولان دولت از نابسامانيهاي موجود ادعاي خانم رايس را كاملاً نقض مي‌كند. لازم مي‌دانم ذيلاً توجه شما عزيزان را به ارقام ارائه شده از جانب مسئولان دولت افغانستان جلب كنم:

كشوري كه فقط 22 درصد مردم آن به خدمات بهداشتي و درماني دسترسي داشته باشند و روزانه هفتاد مادر و 7 كودك زير 5 سال به علت بيماري جان خود را از دست بدهند و كشوري كه فقط 40 درصد مردم آن غذاي كافي براي خوردن داشته باشند؛ و كشوري كه 71 درصد آن زير خط فقر زندگي مي‌كنند؛ كشوري كه مردم آن در پايتخت آن از نبود و كمبود آب آشاميدني بهداشتي و برق و سوخت دچار مشكل و عذاب‌اند؛ كشوري كه هنوز اكثر خانواده‌هاي جنگزده و آواره آن در خانه‌هاي مخروبه و ويرانه‌هاي زمان جنگ و يا در سرماي شديد زير چادر زندگي مي‌كنند؛ مردمي كه در هيچ نقطه‌اي از كشورشان به علت عمليات نظامي اشغالگران، و يا به جهت عمليات چريكي گروههاي مبارز با نظاميان بيگانه امنيت جاني و مالي را از آنان گرفته‌اند؛ كشوري كه مردم مسلمان و متدين و شهيد داده آن به علت شبيخون و تهاجم فرهنگي غرب هم از روشهاي اعتقادي و مذهبي‌شان در معرض انحراف و توهين قرار گرفته‌اند و مردمي كه هفت ميليون كودكان آنان از رفتن به مدرسه محروم‌اند، آيا با بودن اين همه محروميتها، مشكلات و مصيبتها منصفانه است كه گفته شود كشور اشغال شده افغانستان در ساية حضور اشغالگران به پيشرفتهاي چشمگيري دست‌يافته است؟

پس بايد به رئيس‌جمهوري ايالات متحده آمريكا گفته شود كه اگر در گفتار خود صداقت داريد و واقعاً خوشبختي و آرامش ملت افغانستان را مي‌خواهيد و براي مردم مسلمان و محروم افغانستان احترام قايل هستيد و نمي‌خواهيد حقوق آنان به دست نظاميان اشغالگر پايمال شود و موانع عمده از پيش روي دولت اسلامي افغانستان برداشته شود و رئيس‌جمهور منتخب مردم استقلال عمل و توفيق خدمت واقعي را به مردم افغانستان پيدا كند لااقل پايبند بودن خود را به دموكراسي با انجام دادن اين موارد به جهانيان نشان بدهيد:

1. هزينه‌هاي چند ميليارد دلاري‌اي را كه سالانه صرف نيروهاي نظامي و اطلاعات آمريكا در افغانستان براي حفظ و دستيابي به منافع نامشروع آمريكا مي‌شود. به عمران، توسعه و بازسازي زيرساختهاي مراكز حياتي افغانسان و رفع نيازها و مشكلات اوليه و روزمره اختصاص بدهيد.

2. با خارج كردن نيروهاي نظامي آمريكا و ناتو از افغانستان، اداره امور را به دولت منتخب مردم و پارلمان قانوني اين كشور واگذار كنيد.

فقط با قطع مداخلات بيگانگان در امور داخلي افغانستان صلح، آرامش و امنيت در كشور اسلامي افغانستان و منطقه برقرار خواهد شد. اما در صورت اصرار آمريكا به تداوم حضور نظامي‌اش در افغانستان به خاطر حفظ و دستيابي به منافع استعماري‌اش، آن هم با اعمال رويه نظاميگري ــ جنگ‌افروزي ــ خشونت‌طلبي به صورت قطعي و بنا به شواهد تاريخ سرنوشت آمريكا در افغانستان و منطقه به نحوي مانند سرنوشت اشغالگران انگليس و شوروي سابق خواهد بود.

به هر حال، از مجموع حوادث و تحولات ماههاي اخير افغانستان چنين برمي‌آيد كه باتلاق افغانستان نيز مانند باتلاق كشورهاي اسلامي عراق، فلسطين و لبنان براي اشغالگران در حال عميق‌تر شدن است، باتلاقي كه هر روز مداخله‌گران بيگانه را بيش از پيش در خود فرو مي‌برد.

به هر صورت روند، تحولات جهان اسلام نشان‌دهندة اين واقعيت است كه اصرار آمريكا و ناتو با روش اعمال كاپيتولاسيون ويژه اشغالگران هرچه بيشتر بر فرو غلتيدن آنان در باتلاق افغانستان و عراق منجر خواهد شد، واقعيتي كه قطعاً دوران انحطاط ابرقدرتي به نام آمريكا را به همه ملتهاي تحت ستم نويد مي‌دهد. در حقيقت جهان بايد شاهد تحقق اين عبارت ملكوتي رهبر فقيد جهان اسلام حضرت امام خميني(ره) باشد كه با صراحت اعلام داشتند: مسلمانان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران، بپاخيزيد و دست اتحاد به هم دهيد و از اسلام و مقدرات خود دفاع كنيد و از هياهوي قدرتمندان نهراسيد كه اين قرن به خواست خداوند قادر قرن غلبه مستضعفان بر مستكبران و حق بر باطل است، ان‌شاءالله؛ به اميد چنين روزي. والسلام علي عبادالله الصالحين.

1. \* عضو مؤسس بنياد فرهنگي كوثر [↑](#footnote-ref-1)